

بررسی ماهیت حقوقی انتقال اعتبار در مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی اتاق بازرگانی بین‌المللی (UCP600)

سید محمد رضا حسینی^{*1}، ربیعا اسکینی²

1. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

2. استاد پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، تهران، ایران

پذیرش: 93/6/8

دریافت: 92/3/1

چکیده

در یک رابطه اعتبار اسنادی، کسی که اعتبار به نفع او گشایش می‌یابد لزوماً عرضه‌کننده نهایی کالا نیست. در حقیقت، وی با امید به این‌که در آینده می‌تواند کالا را از عرضه‌کننده نهایی تهیه کرده، به دست خریدار برساند وارد معامله شده است. انتقال اعتبار که عبارت است از جانشینی شخص ثالث به جای ذینفع اعتبار اصلی، به ذینفع اول - که در حقیقت واسطه بین خریدار و عرضه‌کننده نهایی است - این امکان را می‌دهد تا علاوه بر این‌که از تفاوت قیمت بین اعتبار انتقال یافته و اعتبار اصلی استفاده کند، تعهدات خود در تحویل اسناد اعتبار را به دیگری واگذار کند.

در مورد ماهیت حقوقی انتقال اعتبار اختلاف نظر وجود دارد. گروهی با این استدلال که در انتقال اعتبار منافع حاصل از اعتبار به صورت مشروط به شخص ثالثی منتقل می‌شود، آن را انتقال عواید دانسته‌اند. در مقابل، عده بیش‌تری اعتقاد دارند که با انتقال اعتبار، رابطه حقوقی اعتبار اصلی ساقط می‌شود و در نتیجه رابطه جدیدی بین ذینفع دوم و بانک انتقال‌دهنده با حقوق و تعهدات مستقل از رابطه قبلی ایجاد می‌شود. در نتیجه، ماهیت این نهاد حقوقی به تبدیل

تعهد نزدیک‌تر است. بررسی استدلال‌های مختلف نشان می‌دهد، انتقال اعتبار اگرچه در بعضی شرایط و آثار با تبدیل تعهد متفاوت است، اما در مقایسه با سایر نهادهای مشابه، نزدیک‌ترین شباهت را با آن دارد.

واژگان کلیدی: اعتبار اسنادی، انتقال اعتبار، انتقال قرارداد، تبدیل تعهد، انتقال طلب

1. مقدمه

از سال 1933 اتاق بازرگانی بین‌المللی¹ مجموعه‌ای از مقررات شامل و جامع را در مورد اعتبارات اسنادی منتشر کرد که در تجارت بین‌المللی مقبولیت یافت. عنوان کامل این مجموعه عرف‌ها و رویه‌های متحدالشکل برای اعتبارات اسنادی² است که به صورت خلاصه مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی نامیده می‌شود. این مقررات در سال‌های 1951، 1962، 1974، 1983، 1993 و نهایتاً در سال 2007 بازنگری شده است. مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی به دو زبان انگلیسی و فرانسه منتشر شده است [1، ص 265].

اعتبار اسنادی عبارت است از قراردادی که به موجب آن واردکننده یا خریدار که متقاضی³ نامیده می‌شود به بانک (بانک گشایش‌کننده اعتبار⁴) دستور می‌دهد تا ثمن را به فروشنده (ذینفع⁵ اعتبار) بپردازد. بانک گشایش‌کننده اعتبار به مجرد ارائه اسناد مقرر، مستقیماً یا به واسطه بانک دیگری (بانک تعیین شده⁶) که در کشور فروشنده واقع است، ثمن را به او می‌پردازد [2، ص 165؛ 3، ص 90]. ذینفع یک اعتبار اسنادی می‌تواند یک واسطه باشد که کالایی را از یک تولیدکننده می‌خرد و به دیگری

-
1. International Chamber of Commerce
 2. Uniform Customs and Practice for Documentary Credit (UCP)
 3. applicant
 4. issuing bank
 5. beneficiary
 6. nominated bank

می‌فروشد. در این صورت، انتقال اعتبار اسنادی به تولیدکننده می‌تواند هم به نفع خریدار و هم به نفع واسطه (ذینفع اول) باشد [1، ص 268؛ 4، ص 227]. علاوه بر این ذینفع اعتبار اسنادی می‌تواند نماینده خریدار نیز باشد. در این صورت، خریدار اعتباری را به نفع ذینفع که کارگزار وی محسوب می‌شود و کالا را برای او خریده است گشایش می‌کند. چه در حالتی که ذینفع نماینده خریدار است و چه در حالتی که مستقلاً عمل می‌کند، سود ذینفع از تفاوت بین قیمت پرداختی به عرضه‌کننده نهایی پرداخت و مبلغی دریافتی از خریدار (متقاضی) به دست می‌آید [5، ص 265].

اعتبارات اسنادی را می‌توان از لحاظ قابل انتقال بودن به اعتبار اسنادی قابل انتقال و اعتبار اسنادی غیرقابل انتقال تقسیم کرد. در اعتبار اسنادی قابل انتقال، ذینفع می‌تواند حقوق و تعهدات ناشی از اعتبار اسنادی را به شخص دیگری منتقل کند. در این صورت، ذینفع دوم ملزم خواهد بود برای دریافت وجه اعتبار کلیه اسناد و مدارک پیش‌بینی شده در اعتبار را به بانک انتقال‌دهنده (که می‌تواند بانک گشایش‌کننده یا بانک تعیین شده باشد) تحویل دهد. اعتبار قابل انتقال معمولاً هنگامی استفاده می‌شود که فروشنده (ذینفع اول) عرضه‌کننده نهایی نبوده، به‌عنوان واسطه عمل می‌کند.

این نوشتار در سه مبحث تنظیم شده است. در مبحث نخست، مفهوم انتقال قرارداد و شرایط آن براساس مقررات UCP بررسی خواهد شد. مبحث دوم، به روابط حقوقی طرفین اعتبار اسنادی پیش از انتقال اعتبار و پس از آن اختصاص دارد. در مبحث سوم ماهیت حقوقی انتقال اعتبار بررسی شده و در نهایت جمع‌بندی ارائه خواهد شد.

2. انتقال اعتبار (تعریف و شرایط)

در یک رابطه اعتبار اسنادی قابل انتقال، ذینفع (ذینفع اول) حق دارد کلیه حقوق و تعهدات ناشی از اعتبار اسنادی را به شخص ثالثی (ذینفع دوم) منتقل کند. در این صورت، ذینفع دوم موظف خواهد بود کلیه تعهداتی را که به موجب قرارداد بین ذینفع اول و خریدار (متقاضی) وجود داشته اجرایی کند. در مقابل، ذینفع دوم از کلیه حقوق

این قرارداد برخوردار خواهد شد. بنابراین اعتبار قابل انتقال، اعتباری است که امکان جایگزینی یک طرف قراردادی جدید (منتقل‌آلیه) به جای ذینفع اعتبار را با توجه به رابطه قانونی که بین ذینفع و بانک گشایش‌کننده اعتبار وجود دارد، فراهم می‌کند [5، ص 281].

انتقال اعتبار به این شیوه اتفاق می‌افتد: فرض کنید که «الف» (ذینفع اول) در لندن 1000 قایق نجات را به خریدار «ب» در مالزی می‌فروشد. «الف» یک تولیدکننده قایق نجات نیست و باید این اجناس را از «ج» که تولیدکننده است و در پاریس قرار دارد خریداری کند. «الف» می‌تواند از سازوکار اعتبار قابل انتقال برای پرداخت به «ج» استفاده کند. با استفاده از این سازوکار، بانک گشایش‌کننده، اعتبار گشوده شده را در وجه «ج» پرداخت خواهد کرد. به بیان دیگر، در اعتبار قابل انتقال، ذینفع اول یعنی «الف»، انتقال تمام یا بخشی از قرارداد را به ذینفع دوم یعنی «ج» انجام می‌دهد. انتقال قرارداد هنگامی محقق می‌شود که طرفین موافقت خود را اعلام کنند و از طرفی موافقت بانک گشایش‌کننده اعتبار نیز به طور صریح اعلام شود [6، ص 488].

انتقال اعتبار معمولاً از طریق گشایش یک اعتبار جدید انجام می‌شود که در این صورت بانک منتقل‌کننده متعهد می‌شود تا مبلغ اعتبار را در مقابل دریافت اسناد و مدارک به ذینفع دوم پرداخت کند. بیش‌تر این اسناد و مدارک همان مدارکی است که پرداخت اعتبار اسنادی اولیه مشروط به ارائه آن‌ها شده بود. بانک انتقال‌دهنده همان بانک تعیین شده¹ خواهد بود که اسناد برای دریافت وجه اعتبار اسنادی باید به آن تحویل داده شود. در مورد اعتباراتی که از بانک‌های متعدد قابل وصول است، بانک انتقال‌دهنده بانکی است که بانک گشایش‌کننده اعتبار اختیار انتقال اعتبار را به آن داده باشد. بانک گشایش‌کننده، خود نیز می‌تواند بانک انتقال‌دهنده باشد [5، ص 281-282].

1. nominated Bank

2-1. انتقال اعتبار در قانون متحدالشکل تجاری

انتقال اعتبار اسنادی علاوه بر مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی در ماده 5 قانون متحدالشکل تجاری ایالات متحده¹ هم مورد توجه قرار گرفته است. در قانون متحدالشکل تجاری در مواد 5-112 و 5-113 به انتقال اعتبار اسنادی اشاره شده است. براساس ماده 5-112 اعتبار تنها در صورتی قابل انتقال است که در اعتبار اسنادی قابل انتقال شناخته شده باشد. بند «ب» این ماده، به بانک گشایش‌کننده اعتبار این اختیار را می‌دهد که حتی در صورتی که اعتبار اسنادی قابل انتقال باشد با انتقال آن موافقت نکند. این عدم موافقت به دو دلیل ممکن است اتفاق بیفتد. نخست این‌که انتقال قانون حاکم بر اعتبار را نقض کند و دوم این‌که در صورت انتقال، انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده نتوانند شروط مندرج در اعتبار اسنادی را برآورده کنند. به موجب بندهای «الف» و «ب» ماده 5-113، انتقال‌گیرنده اعتبار اسنادی از همان حقوق و تعهدات ذینفع اولیه برخوردار خواهد بود.

2-2. انتقال اعتبار در مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی

ماده 38 مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی 600 (UCP600) در مورد انتقال اعتبار است. این ماده جایگزین ماده 48 مقررات سابق شده است و می‌توان آن را در بازنگری سال 1962 نیز ردیابی کرد. انتقال قرارداد در مقررات متحدالشکل اسنادی سابق UCP نیز سابقه دارد. در ماده 49 از مقررات متحدالشکل سال 1933، ماده 49 بازنگری سال 1951، ماده 46 بازنگری سال 1962، ماده 54 بازنگری سال 1983، ماده 48 بازنگری سال 1993 مفاد مربوط به انتقال قرارداد آمده است. در قسمت بعد شرایط انتقال اعتبار، براساس مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی بررسی می‌شود.

1. Uniform Commercial Code (UCC)

2-3. شرایط انتقال اعتبار

مطابق ماده 38، اعتبار صرفاً زمانی قابل انتقال است که بانک گشایش‌کننده صراحتاً قابل انتقال بودن آن را قید کند و طبق بند «ب» ماده 38، تنها بانک تعیین شده در اعتبار اجازه انتقال آن را دارد. هرگاه اعتبار آزادانه نزد هر بانکی قابل معامله باشد، هریک از بانک‌ها می‌تواند بانک تعیین شده باشد (ماده 6 بند الف) اما تنها بانکی اجازه دارد تحت عنوان بانک انتقال‌دهنده نسبت به انتقال اعتبار اقدام کند که مشخصاً در اعتبار مجاز به این امر شده باشد. براساس بند «ب» ماده 38، بانک انتقال‌دهنده هیچ‌گونه تعهدی مبنی بر انتقال اعتبار ندارد. علاوه بر این بانک می‌تواند رأساً تعیین‌کننده شرایط انتقال باشد [7، ص 293-294]. بنابراین شرایط انتقال را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: (1) قابل انتقال بودن اعتبار، (2) موافقت بانک گشایش‌کننده یا تعیین‌شده با انتقال، (3) رعایت محدودیت تعداد دفعات انتقال اعتبار، (4) پرداخت هزینه‌های انتقال اعتبار، (5) تغییرات مجاز در اعتبار اصلی. البته انتقال بخش‌هایی از اعتبار نیز موضوع مهمی است که در همین مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

2-3-1. قابل انتقال بودن اعتبار

این‌که آیا اعتبار اسنادی قابل انتقال است یا خیر بستگی به دستوری دارد که متقاضی به بانک گشایش‌کننده اعتبار داده است. این دستور براساس شرایط و مفاد قرارداد تجاری است که بین ذینفع - معمولاً فروشنده - و متقاضی - معمولاً خریدار یا واردکننده - منعقد شده است. به غیر از حالتی که اجرای قرارداد باید حتماً توسط ذینفع اول انجام بگیرد، او می‌تواند از متقاضی درخواست کند تا اعتبار را «قابل انتقال» باز کند [5، ص 282]. مستنبط از مفهوم مخالف ماده 38، اعتبار تنها در صورتی قابل انتقال است که در دستور گشایش، به قابل انتقال بودن آن تصریح شده باشد [1، ص 276]. در صورت سکوت اعتبار درخصوص قابل انتقال بودن آن باید بین دو مورد تفکیک قائل شد. نخست حالتی است که اعتبار بدون انتقال قرارداد پایه منتقل می‌شود. در این

فرض، به دلیل این‌که امکان تضییع حقوق متقاضی اعتبار وجود دارد، انتقال اعتبار بدون موافقت او قابل پذیرش نخواهد بود. فرض دوم، حالتی است که اعتبار همراه با قرارداد پایه منتقل می‌شود. در این حالت، به دلیل این‌که انتقال قرارداد پایه نیازمند رضایت خریدار (متقاضی اعتبار اسنادی) و فروشنده (ذینفع اعتبار اسنادی) است، انتقال اعتبار با حقوق هیچ‌یک از طرفین آن در تعارض نخواهد بود و بنابراین ایرادی متوجه آن نیست [8، ص 109-110].

2-3-2. موافقت بانک گشایش‌کننده یا تعیین شده با انتقال اعتبار

به موجب بند «الف» ماده 38، بانک هیچ‌گونه تعهدی برای انتقال اعتبار به غیر از حالتی که موافقت بانک بر این انتقال اعتبار به طور صریح اعلام شده باشد ندارد. این موضوع در رأیی که راجع به دعوی بانک نگارا در اندونزی علیه شرکت با مسئولیت محدود لاریزا¹ صادر شد مورد توجه قرار گرفت [9، ص 115]. این رأی با استناد به مقررات سال 1974 صادر شد. در آن مقررات آمده بود که بانک هیچ‌گونه تعهدی در قبال انتقال اعتبار ندارد، مگر آنچه که در قرارداد گشایش اعتبار با آن موافقت کرده است. قاضی رسیدگی‌کننده به این پرونده استدلال کرد که حتی اگر اعتبار به صورت قابل انتقال گشایش شده باشد، انتقال اعتبار منوط به رضایت بانک است. نتیجه این استدلال این بود که حقی که در مقررات سال 1974 برای ذینفع اول در مورد انتقال اعتبار به وجود آمده بود در بند دیگر منوط به موافقت بانک شده است. حق بانک برای عدم موافقت با انتقال اعتبار در بند «ب» ماده UCP60038 با صراحت بیش‌تری مورد شناسایی قرار گرفته است. در این ماده آمده است که:

« از نظر این ماده، اعتبار قابل انتقال یعنی اعتباری که «قابل انتقال» بودن آن مشخصاً در اعتبار ذکر شود. اعتبار قابل انتقال ممکن است بنا به درخواست ذینفع (ذینفع اول) کلاً یا جزاً در اختیار ذینفع دیگر (ذینفع دوم) قرار گیرد.»

1. Bank Negara Indonesia v. Iariza (S'pore) Ltd.

استفاده از فعل «ممکن است» در این ماده به این معنا است که تقاضای ذینفع اول برای انتقال قرارداد ممکن است مورد موافقت بانک قرار نگیرد. بنابراین این حق برای بانک محفوظ است که انتقال قرارداد را رد کند.

2-3-3. محدودیت تعداد دفعات انتقال اعتبار

ابتکار انتقال باید از جانب ذینفع باشد. براساس بند «د» از ماده 38، اعتبار قابل انتقال را نمی‌توان بنا به تقاضای ذینفع دوم به ذینفع لاحقی انتقال داد. نتیجه این‌که انتقال اعتبار تنها یک بار مجاز است. البته این ماده انتقال دوباره به ذینفع اول را از این ممنوعیت مستثنا کرده است. همچنین به موجب این بند انتقال اعتبار به بیش از یک ذینفع دوم مجاز دانسته شده است [5، ص 290].

2-3-4. هزینه‌های انتقال اعتبار

به موجب ماده 38 «ح» هزینه‌های ناشی از انتقال بر عهده ذینفع اول است، مگر آن‌که به نحو دیگری توافق شده باشد [7، ص 294].

2-3-5. تغییرات مجاز در اعتبار اصلی در انتقال اعتبار

لازم نیست انتقال‌دهنده از تمام مفاد اعتبار اصلی تبعیت کند. بنابراین وی می‌تواند برخی از شرایط را به نفع خود تغییر دهد. البته باید توجه داشت که در انتقال اعتبار اصل برای این است که تمام مفاد اعتبار اصلی منتقل می‌شود. بنابراین عدم پیروی از مفاد اعتبار اصلی استثنایی است که بند «ح» ماده 38 به آن‌ها اشاره کرده است. با توجه به بند «ح» ماده 38، اعتبار به استثنای موارد ذیل صرفاً براساس ضوابط و شرایط تعیین شده در اعتبار اصلی قابل انتقال است:

1. مبلغ اعتبار می‌تواند کاهش یابد. این شرط برای ذینفع اول دارای اهمیت است، زیرا این امکان برای وی پدید می‌آید که از مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش منتفع شود.

2. امکان کاهش هرگونه قیمت واحد مندرج در اعتبار وجود دارد.
3. تغییر تاریخ انقضا به موعدی نزدیک‌تر امکان‌پذیر است.
4. مدت ارائه اسناد قابل کاهش است.
5. مدت حمل را می‌توان کوتاه کرد [10، ص 395].

2-3-6. انتقال بخش‌هایی از اعتبار

انتقال بخش‌هایی از اعتبار (که مجموعاً متجاوز از کل اعتبار نباشد) به چند ذینفع دوم کاملاً با مقررات ماده 38 مطابقت دارد. با وجود این انتقال اعتبار به چند ذینفع می‌تواند باعث بروز مشکلاتی شود. برای مثال به موجب بند «الف» ماده 10 انجام اصلاحیه در اعتبارات اسنادی باید با موافقت ذینفع باشد، اما ممکن است که ذینفع دوم به دلیل این‌که اصلاح شرایط اعتبار می‌تواند به زیان او باشد با درخواست اصلاحیه از سوی ذینفع اول موافقت نکند. برای رفع این مشکل، بند «ه» ماده 38 مقرر کرده است پیش از انتقال اعتبار ذینفع اول باید برای بانک انتقال‌دهنده مشخص کند که تحت چه شرایطی مجاز به ابلاغ اصلاحیه‌ها به ذینفع دوم است. در مواردی که اعتبار به بیش از یک ذینفع منتقل شده باشد، هریک از ذینفع‌های دوم می‌تواند اصلاحیه‌ها را بپذیرد و یا آن را رد کنند. پذیرش یا عدم پذیرش اصلاحیه صرفاً در مورد آن بخش منتقل شده نافذ خواهد بود و نسبت به سایر بخش‌ها تأثیری ندارد. نتیجه این‌که اعتبار انتقال یافته به همان وضعیتی که پیش از اقدام به اصلاحیه برای آن ذینفع دوم داشته به قوت خود باقی می‌ماند (ماده 38 بند و) [10، ص 294-295].

3. روابط حقوقی بین طرفین اعتبار اسنادی در صورت انتقال

اعتبار

بررسی روابطی که بین طرفین اعتبار اسنادی پس از انتقال به وجود می‌آید، می‌تواند ماهیت حقوقی انتقال اعتبار را در مقایسه با سایر نهادهای مشابه از جمله تبدیل تعهد،



نمایندگی و واگذاری عواید اعتبار روشن کند. همان‌گونه که ذکر شد انتقال در یک تعریف مختصر عبارت از عمل حقوقی است که به موجب آن شخص ثالثی به طور کامل و یا جزئی جایگزین یکی از طرفین قرارداد می‌شود. در این تعریف، انتقال هم واگذاری حقوق و هم واگذاری تعهدات ناشی از قرارداد را شامل می‌شود. در انتقال اعتبار، این واگذاری حقوق و تعهدات توسط ذینفع اعتبار اتفاق می‌افتد. در نتیجه با انتقال اعتبار روابط حقوقی بین طرفین تغییر کرده، روابط جدیدی ایجاد می‌شود. حقوق و تعهدات طرفین اعتبار پیش از انتقال و پس از آن در دو بخش بررسی می‌کنیم:

3-1. حقوق و تعهدات طرفین اعتبار پیش از انتقال

هر معامله اسنادی حداقل سه طرف دارد: 1) دستوردهنده یا مشتری یا متقاضی که از بانک تقاضای گشایش اعتبار کرده است، 2) صادرکننده یا بانک گشایش‌کننده اعتبار: بانکی که اعتبار را صادر و گشایش کرده است، 3) ذینفع یا فروشنده: کسی که مطابق شرایط اعتبار، حق صدور برات یا مطالبه وجه را دارد. در بعضی موارد نیز ممکن است بانک ثالثی تحت عنوان بانک تعیین شده در این روابط نقش داشته باشد و وظایفی از قبیل ابلاغ، تأیید، وصول و... را بر عهده گیرد.

3-1-1. رابطه حقوقی بین متقاضی و ذینفع

منشأ رابطه حقوقی بین متقاضی و ذینفع، قرارداد فروشی است که بین این دو منعقد شده است. با توجه به اصل استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه، باید گفت که متقاضی و ذینفع به موجب اعتبار اسنادی هیچ رابطه‌ای با یکدیگر ندارند و رابطه این دو در قرارداد فروش خلاصه می‌شود [11 ص. 170؛ 12، ص 338]. ماده 4 UCP600 نیز این نظر را تأیید می‌کند. بند «الف» این ماده مقرر می‌دارد: «اعتبار ماهیتاً معامله‌ای است جدا از قرارداد فروش یا هرگونه قرارداد دیگری که مبنای اعتبار قرار می‌گیرد». نتیجه این که اعتبار اسنادی، رابطه‌ای است که طرفین آن عبارتند از متقاضی، ذینفع، بانک

گشایش‌کننده و در بیش‌تر موارد بانک تعیین‌شده.

3-1-2. روابط متقاضی و بانک گشایش‌کننده اعتبار

تعهدات متقاضی در برابر بانک گشایش‌کننده اعتبار را به طور خلاصه می‌توان شامل موارد زیر دانست: ارائه اطلاعات صحیح به بانک برای گشایش اعتبار، وثیقه‌گذاردن کالا¹، پرداخت کارمزد²، بازپرداخت وجه به بانک³.

در مقابل تعهدات بانک گشایش‌کننده اعتبار در برابر متقاضی را می‌توان به صورت زیر برشمرد: تعهد به گشایش اعتبار⁴، پیروی از دستورات متقاضی در گشایش اعتبار، بازگرداندن مبلغ سپرده شده بابت گشایش اعتبار به متقاضی در صورت انقضای اعتبار [11، ص 171-172].

3-1-3. بین ذینفع و بانک گشایش‌کننده اعتبار

بین ذینفع و بانک گشایش‌کننده اعتبار رابطه‌ای قانونی با سه ویژگی وجود دارد:

- حق مشروط برای پذیرش اسناد: بنابراین بانک تعهد مشروط دارد که در صورت ارائه اسناد مطابق توسط ذینفع، آن‌ها را پذیرش کند (ماده 7 UCP600).
- حق برداشت اعتبار با ایفای شروط مندرج در اعتبار: در مقابل برای بانک این تعهد مشروط وجود دارد که در صورت پذیرش اسناد مطابق، وجه اعتبار را به ذینفع پرداخت کند (ماده 7 UCP600).
- تکلیف ذینفع به تضمین‌های موضوع ماده 110-5 مقررات متحدالشکل تجاری

1. بانک پس از پرداخت وجه اعتبار نسبت به کالای حمل شده حق وثیقه دارد.

2. متقاضی باید هزینه‌های گشایش اعتبار و ابلاغ اعتبار را بپردازد.

3. پس از پرداخت وجه اعتبار به بانک، متقاضی موظف است مبلغ پرداختی به علاوه سود متناسب با مدت زمان پرداخت را به بانک پرداخت کند.

4. همین که بانک دستورات لازم را درخصوص گشایش اعتبار اسنادی کسب کرد، باید در اسرع وقت نسبت به گشایش اعتبار اقدام کند.

آمریکا.

در بند «الف» از ماده 5-110 مقررات متحدالشکل تجاری مقرر شده است که اگر بانک اسناد ارائه شده توسط ذینفع را مورد پذیرش قرار داد، ذینفع دو تعهد در مقابل بانک و متقاضی خواهد داشت. در مقابل بانک و متقاضی، او متعهد می‌شود که هیچ تقلبی در اسناد ارائه شده وجود ندارد. در مقابل متقاضی تعهد دیگری نیز دارد مبنی بر این‌که برداشت وجه اعتبار کاملاً طبق قرارداد منعقد انجام شده و تخلف از آن صورت نگرفته است.

3-2. آثار انتقال اعتبار: حقوق و تعهدات طرفین اعتبار پس از انتقال

در این قسمت آثاری که انتقال اعتبار بر حقوق و تعهدات طرفین اعتبار اسنادی دارد بررسی می‌شود. این بررسی، مقدمه‌ای برای شناخت ماهیت حقوقی انتقال اعتبار خواهد بود. از آن‌جا که پس از انتقال اعتبار، رابطه حقوقی بین انتقال گیرنده با بانک انتقال دهنده و ذینفع اهمیت دارد، این دو مورد بررسی می‌شود.

3-2-1. روابط حقوقی بین بانک انتقال دهنده و انتقال گیرنده

با انتقال اعتبار، حق مشروط ذینفع برای پذیرش و برداشت از اعتبار به موجب اجرای شروط اعتبار و همچنین تعهدات او مبنی بر عدم تقلب (موضوع ماده 5-110 مقررات متحدالشکل تجاری آمریکا) نیز منتقل خواهد شد. همچنین تعهد مشروط و متقابل بانک انتقال دهنده اعتبار در مقابل ذینفع مبنی بر پذیرش و موافقت با برداشت اعتبار با ارائه اسناد و حق مشروط بانک در صورت تقلب منتفی خواهد شد.

انتقال گیرنده در مقابل بانک گشایش کننده حق خواهد داشت تا پرداخت اعتبار را درخواست کند. وی حق برداشت از اعتبار را با ایفای شرایط مندرج در اعتبار اسنادی جایگزین خواهد داشت. همچنین بانک انتقال دهنده اعتبار تعهد متقابل را برای پرداخت وجه اعتبار خواهد داشت [5، ص 286].

3-2-2. روابط حقوقی بین ذینفع و انتقال‌گیرنده

بر اساس ماده 111-5 مقررات متحدالشکل تجاری آمریکا، با انتقال اعتبار، تمامی تضمین‌ها و حقوقی که در مورد اعتبار اسنادی اول برقرار شده است، به انتقال‌گیرنده منتقل خواهد شد. ذینفع، تعهد متقابل در مقابل حق انتقال‌گیرنده برای انتقال تضمین‌ها و سایر حقوق خواهد داشت. [13، ص 42] قسمت g از ماده 38 ucp600، در روابط بین ذینفع و انتقال‌گیرنده این حق را برای ذینفع محفوظ می‌دارد تا در حد مبلغی که بیش‌تر از مبلغ مذکور در اعتبار انتقال یافته نباشد، سیاهه خود را جایگزین سیاهه انتقال‌گیرنده کند. با این کار، ذینفع می‌تواند از تفاوت بین مبلغ سیاهه خود با سیاهه انتقال‌گیرنده کسب سود کند.

4. ماهیت حقوقی انتقال اعتبار

در مورد ماهیت حقوقی انتقال اعتبار چهار نظر را می‌توان مطرح کرد. این نظرها عبارتند از: انتقال اعتبار به مثابه انتقال عواید اعتبار، انتقال اعتبار به مثابه بخشی از طلب، انتقال اعتبار به مثابه انتقال قرارداد و انتقال اعتبار به مثابه تبدیل تعهد که به ترتیب بررسی می‌شود.

4-1. انتقال اعتبار به مثابه انتقال عواید اعتبار

به موجب ماده 39 UCP600: «صرف این که اعتباری فاقد عنوان قابل انتقال باشد، به حق ذینفع در واگذاری عواید¹ که به موجب قانون حاکم به دست آورده و یا خواهد آورد خللی وارد نمی‌کند. این ماده فقط ناظر به واگذاری مطالبات (عواید حاصل از اعتبار) بوده، ارتباطی به حقوق مربوط به انجام کار تحت خود اعتبار ندارد.»
به غیر از جمله دوم این ماده، می‌توان گفت این ماده دقیقاً از ماده 49 UCP500 گرفته شده است. با توجه به ماده 39 UCP600، ذینفع می‌تواند تمام یا بخشی از مبلغ اعتبار را

1. assignment of proceeds

به شخص ثالثی واگذار کند. این واگذاری می‌تواند هم پیش از ارائه اسناد و هم پس از آن انجام پذیرد. معمولاً ذینفع هنگامی نیاز به واگذاری عواید پیش از ارائه اسناد پیدا می‌کند که بخواهد تجهیزات اولیه برای ساخت کالا را تأمین کند، ولی وجه مورد نیاز را نداشته باشد. واگذاری اعتبار پس از ارائه اسناد نیز تنها در حالتی انجام می‌گیرد که زمان پرداخت وجه اعتبار مدتی بعد از زمان ارائه اسناد باشد. هرگاه ذینفع اعتبار درصدد آن باشد که تمام یا بخشی از وجه اعتبار را به شخص ثالث واگذار کند، به طور معمول مبادرت به تنظیم سند واگذاری کرده، آن را در اختیار بانک تعیین شده قرار می‌دهد تا نسبت به انجام آن اقدام کند. در مورد این‌که آیا برای تحقق واگذاری عواید اعتبار، موافقت بدهکار نیز لازم است یا خیر به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت این نهاد و آنچه در مورد انتقال طلب گفته شد، نیازی به موافقت خریدار وجود نداشته باشد. در واگذاری عواید، انتقال‌گیرنده طرف قرارداد محسوب نخواهد شد و بنابراین تعهدی به ارائه اسناد و همچنین تحویل کالا نخواهد داشت. از سوی دیگر واگذاری عواید اعتبار حق اجرای قرارداد را به انتقال‌گیرنده نمی‌دهد و بنابراین وی نمی‌تواند با ارائه اسنادی مبنی بر این‌که مفاد قرارداد را اجرایی کرده است - برای مثال سیاهه مربوط به خود - پرداخت وجه اعتبار به خود را از بانک درخواست کند. علاوه بر این موارد، حق وی نسبت به دریافت عواید اعتبار تنها هنگامی مستقر خواهد شد که ذینفع اصلی اعتبار، تعهدات خود را مبنی بر تحویل کالا و ارائه اسناد انجام دهد. بنابراین حق انتقال‌گیرنده یک حق احتمالی و متزلزل است [5، ص 296؛ 14، ص 326-328].

از این رو، انتقال عواید اعتبار با انتقال اعتبار ماهیتاً متفاوت است. در انتقال اعتبار، با تحقق انتقال یک حق مشروط برای انتقال‌گیرنده در مقابل بانک گشایش‌کننده اعتبار به وجود می‌آید. این حق مشروط به انتقال‌گیرنده این اختیار را می‌دهد تا با ارائه اسناد مندرج در اعتبار، بانک گشایش‌دهنده را مکلف به پرداخت وجه اعتبار کند؛ در صورتی که در انتقال طلب حاصل از اعتبار، چنین حقی برای وی وجود نخواهد داشت. از طرف دیگر، ابتکار ذینفع برای تحقق انتقال اعتبار باید با موافقت بانک گشایش‌کننده و خریدار همراه

باشد، در صورتی که در انتقال طلب نیاز به این موافقت وجود نخواهد داشت.

4-2. انتقال قرارداد به مثابه انتقال بخشی از طلب

می‌توان انتقال اعتبار را انتقال بخشی از طلب ذینفع اول از بانک دانست که البته این انتقال مشروط به اجرای پیش‌شرط‌هایی توسط ذینفع دوم - برای نمونه ارائه برخی اسناد - شده است. این پیش‌شرط‌ها در اعتبار اسنادی منتقل شده ذکر می‌شود. ذینفع اول (معمولاً فروشنده) علیرغم انتقال اعتبار همچنان یکی از طرفین قرارداد پایه باقی خواهد ماند. در واقع، حقوق او نسبت به بانک گشایش‌کننده مشروط به ارائه اسنادی خواهد بود که در اعتبار اولیه گشایش شده، به نفع او ذکر شده است. کلیه حقوق و تعهدات او نسبت به ذینفع دوم نیز در قرارداد انتقال معین خواهد شد [5، ص 287].

در تحلیل این نظر می‌توان گفت اگر منظور این بوده که انتقال عواید اعتبار معلق بر رعایت پیش‌شرط‌هایی از سوی ذینفع دوم شود، این نوع انتقال با انتقال اعتبار همخوانی ندارد؛ زیرا بر این اساس تحقق رابطه حقوقی بین ذینفع دوم و بانک انتقال‌دهنده اعتبار منوط به تحقق پیش‌شرط‌هایی خواهد بود که بین انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده تعیین شده است؛ در صورتی که مستفاد از بند «ب» ماده 38 این است که به مجرد تقاضای ذینفع اول و موافقت بانک تعیین‌شده، انتقال تحقق پیدا می‌کند و نیازی به عنصر دیگری نیست. ممکن است مقصود این باشد که اجرای انتقال اعتبار، منوط به انجام شروطی از سوی انتقال‌گیرنده است. مبنای پذیرش این نظر این است که ذینفع اول را همچنان در مقابل بانک انتقال‌دهنده مستقلاً متعهد بدانیم؛ مانند آنچه که در انتقال طلب اتفاق می‌افتد و با انتقال طلب تعهدات انتقال‌دهنده همچنان بر عهده او باقی است. در این حالت حتی اگر تعهداتی نیز بر دوش انتقال‌گیرنده قرار گرفته باشد، تعهدات فرعی محسوب می‌شود و انتقال‌دهنده را از انجام تعهدات اصلی که در مقابل طرف قرارداد دارد، معاف نمی‌کند. بنابراین، اگر به هر دلیل انتقال‌گیرنده عواید تعهدات خود را انجام ندهد، انتقال‌دهنده در مقابل طرف قرارداد مسؤول خواهد بود.



نتیجه این که انتقال اعتبار را تنها در صورتی می‌توان با انتقال عواید اعتبار همسان دانست که ذینفع اعتبار اصلی پس از انتقال همچنان متعهد اصلی اعتبار انتقال یافته نیز تلقی شود. در صورتی که بند «ح» ماده 38 خلاف این نظر را به دست می‌دهد. براساس این بند: «اگر ذینفع اول که بـاید سیاهه و برات خود را جایگزین سیاهه و برات ذینفع دوم کند از انجام این کار با اولین درخواست خودداری کند یا اگر سیاهه‌های ارائه شده توسط ذینفع اول دارای مغایرت‌هایی باشد که در اسناد ارائه شده توسط ذینفع دوم وجود نداشته باشند و ذینفع اول از اصلاح این مغایرت‌ها با اولین درخواست خودداری کند، بانک انتقال‌دهنده حق خواهد داشت اسناد رسیده از ذینفع دوم را بدون این که مسؤلیت بیش‌تری در مقابل ذینفع اول داشته باشد به بانک گشاینده اعتبار تسلیم دارد».

مستفاد از این بند این است که با انتقال اعتبار، ذینفع دوم جایگزین ذینفع اول به‌عنوان متعهد اصلی شده است. لذا در صورت تخلف ذینفع اول در ارائه اسناد، بانک می‌تواند اسناد ذینفع دوم را به‌عنوان متعهد اصلی بپذیرد بدون این که مسؤلیتی داشته باشد.

3-4. انتقال اعتبار به مثابه انتقال قرارداد¹

انتقال قرارداد عبارت از حالتی است که به موجب آن شخص ثالثی جانشین یکی از طرفین عقد می‌گردد. در انتقال قرارداد هدف این است که موقعیت قراردادی یکی از طرفین با تمامی حقوق و تعهدات ناشی از آن به شخص ثالثی منتقل گردد [15، ص 230]. با انتقال قرارداد، انتقال‌گیرنده جانشین طرف قرارداد می‌شود و از تمام ویژگی‌های موقعیت قراردادی بهره‌مند شده، همانند طرف عقد می‌تواند آن را فسخ کند و اجبار طرف را بخواهد و از حق حبس سود برد [16، ص 258]. همچنین با تحقق انتقال، تضمیناتی که از سوی انتقال‌دهنده یا طرف دیگر قرارداد در مورد قرارداد برقرار

1. assignment of contract

شده است نیز منتقل خواهد شد [17، ص 354].

برخلاف انتقال قرارداد، در انتقال اعتبار حقوق و تعهداتی که بین طرفین اعتبار اصلی وجود داشته ساقط می‌شود و رابطه جدیدی شکل می‌گیرد که شرایط و آثار خاص دارد. بنابراین اگر قرارداد را به ریسمانی مانند کنیم که بین طرفین قرارداد ارتباط برقرار می‌کند در انتقال قرارداد این ریسمان قطع نمی‌شود و تنها یک طرف ریسمان تغییر می‌کند؛ در صورتی که در انتقال اعتبار با گشایش انتقال جدید، ریسمان سابق که رابطه اعتبار اسنادی بین بانک گشایش‌کننده اعتبار و ذینفع اول بوده، قطع می‌شود و رابطه جدیدی بین ذینفع دوم و بانک انتقال‌دهنده (که می‌تواند بانک گشایش‌کننده اعتبار نیز باشد) برقرار می‌شود. اگرچه ممکن است حقوق و تعهدات اعتبار انتقال یافته با آنچه در اعتبار اصلی آمده، مشابهت‌هایی داشته باشد، اما باید توجه داشت حقوق و تعهدات ذینفع دوم در مقابل بانک، همان حقوق و تعهداتی است که در اعتبار جدید تصریح شده، نه آنچه که در اعتبار اصلی آمده بود. به عبارت دیگر، برخلاف انتقال قرارداد که حقوق و تعهدات قرارداد اصلی همان‌گونه که هست به انتقال‌گیرنده منتقل می‌شود، با انتقال اعتبار، حقوق و تعهدات جدیدی ایجاد می‌شود که اگرچه مشابهت‌هایی با موارد پیشین دارد، اما لزوماً با آن مطابق نیست. بند «و» ماده 38 ucp600 مؤیدی بر این مطلب است. به موجب این بند، در انتقال اعتبار می‌توان مواردی چند از جمله مبلغ اعتبار، انقضای اعتبار، تاریخ ارائه اسناد و تاریخ تحویل را تغییر داد.

خلاصه این‌که اگرچه انتقال اعتبار با انتقال قرارداد این تشابه را دارد که برخی از حقوق و تعهدات منتقل می‌شود (همچنین به موجب ماده 5-111 ucc برخی از تضمین‌ها منتقل می‌شود)، اما باید به این نکته توجه داشت که در انتقال قرارداد، هدف برخورداری انتقال‌گیرنده از تمامی حقوق و تعهداتی است که در قرارداد اصلی برای انتقال‌دهنده در نظر گرفته شده که این مطلب در این جا صادق نیست.

4-4. انتقال اعتبار به مثابه تبدیل تعهد¹

تبدیل تعهد به این معنا است که تعهدی جانشین تعهد دیگر شود و تعهد سابق از بین برود [18، ص 184]. تبدیل تعهد با انتقال قرارداد این تفاوت را دارد که تعهد در تبدیل تعهد به همراه تمامی ضمانت‌ها و آثار آن (مانند مرور زمان) ساقط می‌شود و تعهدی جدید با آثار و شرایط جدید به وجود می‌آید، اما در انتقال قرارداد «موقعیت قراردادی» به همراه تمام آثار و شرایط آن منتقل می‌شود و تعهدات قراردادی ساقط نخواهد شد. از آنچه گفته شد روشن می‌شود که انتقال اعتبار را بیش‌تر می‌توان با نهاد تبدیل تعهد مشابه دانست. این دیدگاه در ایالات متحده بیش‌تر طرفدار دارد [19، ص 498؛ 20، ص 104-10].

در حقیقت آنچه در انتقال اعتبار اتفاق می‌افتد این است که ذینفع نخست (معمولاً فروشنده) از قرارداد خارج می‌شود و جای خود را به ذینفع دوم (معمولاً عرضه‌کننده نهایی) می‌دهد. البته این جانشینی همراه با سقوط اعتبار اصلی و گشایش اعتبار جدیدی است (که برخی از شرایط آن با شرایط اعتبار اصلی یکسان است) که یک رابطه حقوقی جدید را بین ذینفع دوم و بانک ایجاد می‌کند.

در نقد این دیدگاه گفته شده که در انتقال اعتبار، ذینفع اول (فروشنده) همچنان طرف قرارداد باقی خواهد ماند و چنانچه ذینفع دوم نتواند تعهدات قراردادی را ایفا کند، تعهدات ذینفع اول در مقابل متقاضی (خریدار) با استناد به قراردادی که بین ذینفع اول و متقاضی منعقد شده است، همچنان پابرجا خواهد بود؛ در صورتی که اگر انتقال اعتبار را تبدیل تعهد بدانیم، تعهدات ذینفع اول در مقابل متقاضی به محض تحقق انتقال ساقط خواهد شد. بنابراین، ذینفع اول تنها در صورتی استحقاق دریافت حاشیه سود خود را دارد که حداقل یک سند یعنی سیاهه فروش را به اندازه کل مبلغ اعتبار به بانک تحویل دهد [5، ص 286-287]. در رد این نقد می‌توان گفت که انتقال اعتبار به معنای انتقال قرارداد بین متقاضی (خریدار) و ذینفع (فروشنده) نیست، بلکه انتقال کلیه حقوق و

1. novation

تعهداتی است که ذینفع اول در مقابل بانک گشایش‌کننده اعتبار دارد. بنابراین، اگر انتقال اعتبار را تبدیل تعهد بدانیم با انتقال این حقوق و تعهدات رابطه اعتبار اسنادی که بین بانک، ذینفع اول و متقاضی شکل گرفته بود، از بین می‌رود و رابطه جدیدی بین ذینفع دوم، بانک و متقاضی شکل می‌گیرد. البته طبیعی است سقوط رابطه اعتباری اول که مستقل از رابطه قرارداد پایه بین خریدار و فروشنده قابل تحلیل و بررسی است، به قرارداد اصلی صدمه‌ای وارد نمی‌کند.

5. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ماده 38 مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی UCP به انتقال اعتبار اختصاص دارد. علاوه بر این در ماده 5-110 مقررات متحدالشکل تجاری ایالات متحده نیز مقرراتی راجع به اعتبار اسنادی بیان شده است. از نظر ماهیت حقوقی انتقال اعتبار بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی با استدلال به این‌که در انتقال اعتبار، رابطه بین ذینفع اول و بانک گشایش‌کننده اعتبار از بین نمی‌رود و ذینفع اول همچنان می‌تواند سیاهه خود را به بانک تحویل دهد، انتقال اعتبار را معادل واگذاری منافع حاصل از اعتبار و مساوی نهاد حقوقی انتقال طلب می‌دانند.

در مقابل گروه دیگری معتقدند با توجه به این‌که در انتقال اعتبار موقعیت قراردادی انتقال‌دهنده به همراه کلیه حقوق و تعهدات خود به انتقال‌گیرنده منتقل می‌شود می‌توان این نهاد را با انتقال قرارداد معادل دانست.

در این نوشتار، ضمن بررسی استدلال‌های مختلف در مورد ماهیت حقوقی انتقال اعتبار تفاوت‌های این نهاد با انتقال طلب و انتقال قرارداد روشن شد. بر این اساس، با توجه به این‌که به مجرد انتقال، انتقال‌گیرنده حقوق و تعهدات جدیدی را در مقابل بانک انتقال‌دهنده بر عهده می‌گیرد، نمی‌توان آن را انتقال طلب دانست؛ چه این‌که در انتقال طلب (عواید اعتبار) کسی که طلب به او منتقل شده است تعهدی در مقابل طرف اصلی قرارداد ندارد و همچنین نمی‌تواند او را الزام به اجرای قرارداد کند. انتقال اعتبار را

همچنین باید با انتقال قرارداد متفاوت دانست. در انتقال قرارداد، بدون این که به قرارداد صدمه‌ای وارد آید، ساختمان آن با جانشینی انتقال‌گیرنده به جای یکی از طرفین قرارداد تغییر می‌کند. بنابراین، حقوق و تعهداتی که انتقال‌گیرنده بر عهده می‌گیرد، همان است که قبلاً در رابطه بین انتقال‌دهنده و طرف اصلی قرارداد داد وجود داشت. اما با تحقق انتقال اعتبار، تعهدات حاصل از اعتبار اصلی ساقط می‌شود و تعهدات جدیدی، اگرچه در بسیاری موارد مشابه با آنچه در اعتبار اصلی ذکر شده بود، متولد می‌شود. نتیجه این که در مقایسه بین انتقال اعتبار و نهادهای مشابه می‌توان بین آن و تبدیل تعهد مناسب‌تر یافت. این نظر با رأی اکثریت حقوقدانان در ایالات متحده نیز موافقت دارد.

6. منابع و مأخذ

- [1] VanHoutte, Hans, *The Law Of International Trade*. London, Sweet and Maxwel, 1 1995.
- [2] ایمانوئل تی، لاریا، «روش‌های پرداخت ثمن در تجارت الکترونیک: آیا جایگزین‌های ممکن و کارآمدی برای اعتبارات اسنادی وجود دارد؟»، ترجمه ماشاالله نیاسری، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش 34، 1385.
- [3] ابافت، رسول، «اعتبار اسنادی و ماهیت حقوقی آن در حقوق تجارت بین‌الملل»، پیک نور، ش 4، زمستان 1386.
- [4] Kouladis, Nicholas, *Principles of Law Relating to International Trade*. , 2006.
- [5] Ellinger, Peter and Dora Neo, *The Law and Practice of Documentary Letters of Credit*, London: HART, 2010.
- [6] Carr, Indira, *International Trade*, 4th ed. London: Routledge-Cavendish,

- 2010.
- [7] لنگریچ، رینهارد، *اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل*، تهران، میزان، 1387.
- [8] مرتضی شهبازی‌نیا، «انتقال و توثیق ضمانتنامه بانکی»، *مدرس علوم انسانی*، ش 2 (پیاپی 51)، تابستان 1386.
- [9] King, Richard, *Gutteridge and Megrah's Law of Bankers' Commercial Credits*. : Routledge, 2003.
- [10] Gillies, Peter and Gabriël Moens, *International Trade & Business Law & Policy*: Routledge, 1998.
- [11] رحمان عمروانی، «روابط حقوقی طرفین اعتبارات اسنادی»، *فقه و حقوق*، ش 16، بهار 1387.
- [12] یانگ، گائو ایکس و روس پی. بوکلی، «ماهیت حقوقی ویژه و منحصر به فرد اعتبارات اسنادی: منشأ اعتبارات اسنادی و منابع آن»، *ترجمه ماشاالله نیاسری*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش 35، 1385.
- [13] Dean Pawlowict, "Letters of Credit: A Framework for Analysis of Transfer, Assignement, Negotiatin and Transfer by Operation of Law," *The Wayne Law Review*, vol. 39, 1992.
- [14] Smith QC, Marcus and Leslie, Nico. *The Law of Assignment: The Creation and Transfer of Choses in Action*. Oxford, 2013.
- [15] مقدم، عیسی، «انتقال قرارداد»، *فصلنامه حقوق*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش 4، زمستان 1386.
- [16] کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، ج 3: آثار قرارداد، تهران، میزان، 1387.
- [17] Treitel, Guenter Heinz, *The law of contract*. London: Stevens, 1987.
- [18] شهیدی، مهدی، *حقوق مدنی 3، تعهدات*، تهران، مجد، 1390.

سید محمد رضا حسینی و همکار _____ بررسی ماهیت حقوقی انتقال اعتبار... 

[19] Kozolchyk, Boris, *Commercial letters of credit in the Americas;: A comparative study of contemporary commercial transactions*. Albany: M. Bender, 1966.

[20] اسکینی، ربیعا و علیرضا جعفریان، «بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با انتقال طلب»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش 29، 1392.